

کنترل جرایم و تخلفات شهری در سنجۀ عدالت رویه‌ای؛ از انتظام شهری تا احترام شهروندی



جعفر سروی^{*۱} (ID)، سید حسام‌الدین سیداصفهان‌ی^۲ (ID)

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، دانشگاه مونتون، مونتون، کانادا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2025.2155.1921](https://doi.org/10.22034/qjplk.2025.2155.1921)

چکیده

وقوع جرایم و تخلفات شهری واقعیتی است که از زمان پیدایش شهر کنترل آن دستور کار همیشگی مقامات عمومی بوده است. در ایران، کنترل این رفتارها مبتنی بر بستر قضایی طراحی شده و بهره‌ناچیزی از حمایت داوطلبانۀ شهروندان برده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل این امر عدم توجه به منصفانه بودن فرایند تصمیم‌گیری و نحوه سلوک مقامات و عجین نشدن با ارزش‌های مورد قبول شهروندان است. نگرانی مقامات عمومی از اختلال در نظم مورد نظر ایشان با اعمال رویکردهای نوین اقبال به اجرای آن‌ها را کم کرده و فقدان نظریه‌مندی کنترل و ضعف تلاش‌های علمی آن را تشدید نیز کرده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی تدوین یافته و به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که میزان برخورداری فرایند کنترل جرایم و تخلفات شهری ایران از مؤلفه‌های عدالت رویه‌ای (احترام و انصاف) به چه میزان است و تأثیر اجرای این راهبرد چه می‌تواند باشد. ارزیابی‌های اولیه حاکی از آن است که میزان بهره‌مندی کنترل جرایم و تخلفات شهری ایران از معیارهای عدالت رویه‌ای ناچیز است و تداوم آن بر عمق شکاف میان شهروندان و مقامات عمومی می‌افزاید و به کاهش تبعیت از مقررات خواهد انجامید. اجرای عدالت رویه‌ای به چابک‌سازی کنترل و کیفی‌سازی آن کمک شایانی می‌کند.

کلیدواژگان: جرایم و تخلفات شهری، کنترل جرایم، عدالت رویه‌ای، اعتماد، شهر.

دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: Jafarsarvi776@gmail.com



مقدمه

کنترل از دیرباز همراه جوامع بشری بوده و تشکیل دولت‌های نوین و نیاز به تبعیت شهروندان اهمیت آن را دوچندان کرده است. شهرها، به عنوان بزرگ‌ترین محل‌های تجمع بشر، نیز از این قاعده مستثنی نیستند و از دیرباز اداره‌کنندگان آن برقراری نظم و انضباط شهری را دلیل اصلی مشروعیت کنترل خود بر رفتارهای شهروندان عنوان می‌کردند. امروزه دایره اعمال کنترل جرایم و تخلفات شهری به قدری وسیع شده که فرض زیست قانونی در شهرها بدون نیاز به نقض مقررات فرضی محال می‌نماید. در این میان حقوق شهروندی نیز تحت شعاع کنترل قرار گرفته است. این رفتارهای ناقض مقررات نظم و انضباط شهری را جرایم و تخلفات شهری نام نهاده‌اند که به مصادیقی همانند مدیریت پسماند، سد معبر، دست‌فروشی، تخلفات ساختمانی و ترافیکی، ... اطلاق می‌شود. در خصوص بروز آسیب در شهرها در پی وقوع برخی از این رفتارها مطالعاتی انجام یافته است. اما از تأثیر نحوه کنترل بر تشدید این آسیب‌ها و قانون‌گریزی غفلت می‌شود. در نمای کلی، کنترل جرایم و تخلفات شهری در ایران فاقد مبنای علمی روشن و هر گونه نظریه و راهبرد حاکم است که کنترل را سلیقه‌ای و امکان نظارت و بهبود اثربخشی و مطابقت با اصول بنیادین را در آن منتفی می‌کند.

بی‌برنامه بودن و کنترل سلیقه‌ای جرایم و تخلفات شهری به بروز ناآرامی‌های اجتماعی^۱ و شکل‌گیری نگرشی بدبینانه در شهروندان نسبت به اهداف مقامات عمومی منجر شده است. در واقع شکل‌گیری روندی سلیقه‌ای، کاسب‌کارانه^۲، و قهرآمیز به فقدان مشروعیت اقدامات و کاهش تبعیت انجامیده است. تجربه شهروندان از نحوه برخورد بدون احترام و انصاف با ایشان و مقررات‌گذاری‌های یک‌طرفه و نتایج تبعیض‌آمیز کنترل جرایم و تخلفات شهری نیت خیرخواهانه مقامات عمومی در برقراری نظم شهری را در مظان تردید قرار داده است. منطقی می‌نماید در شرایطی که از حیث ماهوی کنترل جرایم و تخلفات شهری فاقد مبنای روشن علمی است و ارتکاب این رفتارها گزینه انتخابی پاره‌ای از شهروندان نیست، فرآیند کنترل به گونه‌ای طراحی شود که کرامت شهروندان رعایت شود. عدالت رویه‌ای از این ظرفیت برخوردار است تا به عنوان یک راهبرد این هدف را محقق کند. اما پرسش این است که اجرای این مفهوم چه ضرورتی دارد و چه تأثیری بر کنترل جرایم و تخلفات شهری خواهد داشت؟ متأسفانه مطالعات قابل اتکایی در این زمینه وجود ندارد و تنها به اظهارنظرهای روزنامه‌ای و

گلایه از برخوردها بسنده شده است. به نظر می‌رسد از عواملی که باعث شده طراحان سیاست‌های کنترلی، به‌رغم مشاهده نتایج ناگوار، بر تداوم سیاست‌های قبلی اصرار ورزند ضعف تحقیقات نظری و ادبیات علمی چارچوب جایگزین است. به دلیل این ضعف نظری، مقامات عمومی و مجریان کنترل جرایم و تخلفات شهری از مفاهیمی چون احترام و رعایت حقوق شهروندان برداشت عنصری مزاحم و به تأخیراندازندۀ فعالیت‌های کنترلی در ذهن دارند و با توجه به فوریت کنترل این رفتارها با دیدۀ تردید به اجرایی بودن آن می‌نگرند. انجام دادن تحقیق علمی که مؤلفه‌های عدالت رویه‌ای در این فرآیند کنترل را ارزیابی کند می‌تواند در تغییر نگرش مجریان و مداخله‌گران به روش‌های جایگزین مؤثر باشد. این مقاله که هم‌سو با این هدف و با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای تدوین یافته و به توصیف و تحلیل یافته‌ها پرداخته است قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که میزان برخورداری فرآیند کنترل جرایم و تخلفات شهری ایران از مؤلفه‌های عدالت رویه‌ای به چه میزان است و تأثیر اجرای این راهبرد بر چابک‌سازی و کیفی شدن کنترل چه می‌تواند باشد. به نظر می‌رسد سوءبرداشت مقامات عمومی از عدالت رویه‌ای ناشی از عدم آشنایی ایشان با مفهوم عدالت رویه‌ای و در مواردی قیاس نتایج تجربیات بد باشد. اجرای عدالت رویه‌ای در کنترل جرایم و تخلفات شهری موجب کاهش موارد ضروری مداخله می‌شود و امکان تحقق حقوق شهروندی را فراهم می‌کند. علاوه بر این اجازه می‌دهد امکان مداخله در موارد ضروری‌تر فراهم آید.

۱. چارچوب نظری

هدف از کنترل جرایم و تخلفات شهری کاهش آن و تبعات احتمالی آن است. اما کنترل نیز می‌تواند نواقصی را ایجاد کند که می‌باید برای آن چاره‌اندیشی شود. در مواردی اعطای اختیارات گسترده و بدون نظارت به مجریان باعث توسعهٔ برچسب‌زنی بی‌دلیل به شهروندان و تمرکز اقدامات بر فقرا و شهروندان دارای ویژگی‌های متفاوت از سایرین می‌شود. در واقع اقدامات کنترلی می‌تواند احتمال مجازات شدن بی‌گناهان را افزایش و تبعیت از مقررات را کاهش دهد. دانشمندان متعددی بر بررسی ماهیت تبعیت و نحوه و موانع شکل‌گیری آن تمرکز کرده‌اند؛ از جمله تام تیلر^۳ در کتاب خود تحت عنوان *روان‌شناسی اجتماعی عدالت رویه‌ای*^۴ دو روش برای به متابعت درآوردن شهروندان تصور می‌کند، روش اول روش کنترل اجتماعی^۵

و روش دوم مشروعیت^۶ یا هنجارهای اجتماعی^۷. برخلاف روش اول، که در آن تأکید بر انتفاع‌سنجی شهروندان در اطاعت از قانون قرار دارد، این روش براین باور است که اکثر مردم به این دلیل از قانون اطاعت می‌کنند که آن را مشروع می‌دانند (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۸۸). استدلال وی بر محوریت مشروعیت و روش‌های کسب آن و اعتماد و تأثیر آن بر اقدامات و تصمیمات مقامات قانونی استوار است (Tyler, 1998: 6).

نظریه مطرح‌شده توسط وی بر نظریه عدالت رویه‌ای استوار است. این نظریه از اجزای مهم عدالت اجتماعی است که تحقق عدالت ماهوی و عدالت در نتیجه را بدون اجرای آن غیر ممکن می‌داند (Richard, 2019: 27). عدالت رویه‌ای شامل قواعدی بنیادین است که در تدوین و اجرای مقررات مرتبط با عدالت اجتماعی باید رعایت شوند (Zhongmin Wu, 2024: 151). این قواعد بنیادین شامل حاکم کردن انصاف، بی‌طرفی، احترام، اطمینان و اعتماد، و فراهم آوردن امکان طرح صدای^۸ افرادی است که امکان حضور در چانه‌زنی‌ها را ندارند. این نظریه بر تجربیات شهروندان با مقامات قانونی و تأثیر آن بر فهم قوانین تمرکز دارد (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲). در حقیقت از دید این نظریه عدم عدالت رویه‌ای و اجرای تبعیض‌آمیز مقررات نگرش مردم را نسبت به مجریان تغییر خواهد داد (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۸۱). این نظریه معتقد است درک شهروندان از مقررات تحت تأثیر تجربیات متمادی ایشان از فرایند اجرای قانون شکل می‌گیرد تا نتایج حاصل از آن (Muslihah Hasbullah, 2019: 27) و در صورتی که این تجربه‌ها منعکس‌کننده ارزش‌هایی باشد که ایشان به آن معتقدند در آن‌ها درونی‌سازی می‌شود (Markovic & Ivana, 2020: 163). در صورت درونی‌سازی ارزش تبعیت از قانون و ظهور ادله کافی بر وجود یکی از این ارزش‌ها در آن، مقررات مورد پیروی قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۴۰). در صورتی که این ارزش‌ها با هم تطبیق پیدا نکند، با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزش‌های جامعه زیر سؤال می‌رود و جامعه به «بی‌نظمی اجتماعی» دچار می‌شود (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۸۲). اگر شهروندان قاعده یا تصمیمی را به شیوه‌ای عادلانه دریافت کنند تسلیم آن می‌شوند و به اجرای آن کمک می‌کنند. بنابراین علاوه بر اینکه منطق تدوین مقررات باید از عدالت برخوردار باشد خود این فرآیند نیز باید عادلانه باشد (Zhongmin Wu, 2024: 151). به طور کلی ارزیابی در مورد میزان رعایت عدالت رویه‌ای در یک موضوع با بررسی وجود معیارهای آن در

دو سرفصل مرتبط با موضوع صورت می‌گیرد: ۱. رویه‌ها و دستورالعمل‌های رسمی که از آن تحت عنوان مبناهای رسمی عدالت رویه‌ای^۹ نام برده می‌شود؛ ۲. تجارب افراد با مقامات عمومی که مبناهای غیر رسمی عدالت رویه‌ای^{۱۰} نامیده می‌شوند و شامل جنبه ساختاری و جنبه اجتماعی است (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲). در ادامه میزان بهره‌مندی فرآیند کنترل جرایم و تخلفات شهری از عدالت رویه‌ای بر مبنای همین روش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مبناهای رسمی عدالت رویه‌ای

منظور از مبانی رسمی عدالت رویه‌ای آن دسته از کنش‌های روی داده در فضای رسمی کشور است که شامل دستورالعمل‌ها و مقررات‌گذاری‌ها و رویه‌های موجود در فضای رسمی کشور پیرامون جرایم و تخلفات شهری می‌شود. در ادامه به هر یک از این موارد پرداخته می‌شود.

الف) دستورالعمل‌نویسی و مقررات‌گذاری

جنبه ساختاری عدالت رویه‌ای به این موضوع می‌پردازد که تصمیمات و مقررات چگونه باشند تا منصفانه به نظر برسند (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲). تضمین حقوق اساسی شهروندان نیازمند ترتیبات نهادی^{۱۱} است و تعهدات شفاهی، شیوه‌های عرفی، و مداخلات یکباره نمی‌توانند به طور مؤثر حقوق شهروندان را تضمین کنند و روش شایع ترتیبات نهادی آن است که این امر از طریق مقررات‌گذاری روی دهد. مقررات نیز باید برخوردار از اصول و قواعدی باشد. مقررات‌گذاری ابزاری برای هماهنگ‌سازی منافع اجتماعی غیر هم‌سو و وسیله‌ای در اختیار نهادهای عمومی برای تحقق اهداف و صلاحیت‌های خود است و در صورتی که برخوردار از معیارهای لازم نباشد بیش از آنکه تسهیلگر باشد مانع خواهد بود (رستمی، ۱۳۹۹: ۷۵). از جمله این معیارها توانایی در تنظیم‌گری و ثبات‌بخشی به نیازهای مشروع شهروندان است. در حال حاضر عمده‌ترین ابزار کنترل جرایم و تخلفات شهری مقررات‌گذاری در قالب مصوبات طیف متنوع و وسیعی از مراجع شامل شوراهای عالی، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های ابلاغی از هیئت وزیران، مصوبات مراجع محلی، و ... است. این تنوع، خود، از معضلات اصلی کنترل جرایم و تخلفات شهری است. از دغدغه‌های اصلی جرم‌شناسی نوین تنوع نهادهای مقررات‌گذار و ناظر بر اجرای آن است. چون در بسیاری از موارد این نهادها در رقابت با یک‌دیگر منافع عمومی را نادیده می‌گیرند (Ronald van Steden, 2017: 41). مقررات‌گذاری هر یک از این مراجع باعث شکل‌گیری نوعی رقابت پنهان در بین آن‌ها شده و در این میان کنترل جرایم و تخلفات شهری بهانه‌ای برای قدرت‌نمایی ایشان است. مثلاً اگرچه تصویب طرح‌های تفصیلی و جامع شهر تأثیر بسزایی در کنترل جرایم و

تخلفات شهرسازی دارد، به دلیل رقابت میان شورای عالی شهرسازی از یک طرف و نهادهای محلی از طرف دیگر بر سر تدوین این طرح‌ها با حداکثر ظرفیت تدارک منابع حاصل از تعیین سرانته کاربری‌ها، همه این اسناد، پس از تهیه و ابلاغ، با انواع آیین‌نامه‌ها و تفاسیر مراجع محلی عملاً بدون اثر می‌شود و مستمری برای وقوع تخلفات و جرایم شهری قرار می‌گیرد. در مواردی این رقابت قالب افراط در مقررات‌گذاری هر چه فنی‌تر به خود می‌گیرد که در مواجهه با انتظارات متناقض شهروندان باعث می‌شود فرآیند مداخله پیچیده و تخصصی و غیر قابل فهم برای شهروندان طراحی شود (Ronald van Steden, 2017: 43). ازدیاد تشریفات اداری و امضاهای طلایی شهروندان را در پذیرش طی مراحل قانونی و متابعت از آن پشیمان می‌کند. اکثر افراد جامعه در عمل قوانین را رعایت نمی‌کنند و طولانی بودن تشریفات اداری و قضایی، عدم احساس مسئولیت، عدم آشنایی با قانون، عدم ثبات قوانین، اعتقاد به بی‌فایده بودن و نادرست دانستن قوانین به ترتیب از نظر اکثر پاسخگویان به عنوان دلایل عدم رعایت قانون توسط شهروندان ذکر شده است (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۸۳). بی‌ثباتی مقررات کنترلی در نتیجه صدور مقررات ناسخ و منسوخ و حتی متناقض بلامتکلیفی و تأخیر در رفع نیازهای شهروندان را در پی خواهد داشت.

در پژوهشی ۶۶ درصد شهروندان مورد سؤال قرار گرفته بر این باور بودند که در ادارات هر روز قانونی وضع می‌شود که سبب می‌شود شهروندان سردرگم شوند و تکلیف خود را ندانند (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲). این بی‌ثباتی متأثر از غیر کارشناسی بودن و تأثیر دخالت گرایش‌های سیاسی و جناحی است (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۸۳). در این میان نقش شوراهای اسلامی شهرها در اعمال فشار برای لغو یا به راه افتادن یک جریان مداخله‌ای یا برجسته شدن یا کم‌رنگ شدن آن متأثر از رویکردها و تمایلات سیاسی حاکم بر آن بسیار چشمگیر است. مثلاً، ممکن است یکی از جناح‌های سیاسی بر سیاست‌های مداراگرایانه بیشتر تأکید کند. در نتیجه، مثلاً در مواردی اقدامات کنترلی برای جلوگیری از گردش سگ در یک دوره زمانی در پارک‌های شهری بسیار کمتر شد و حتی در مواردی که با اجبار دادستانی مقرر شد شعارنوشته‌هایی در بوستان‌ها نصب شود مقاومت زیادی در خصوص گنجاندن نام سگ در این پلاکاردها صورت گرفت و به جای آن از عبارت حیوانات اهلی استفاده شد. در دوره دیگر، جناح سیاسی دیگر، با برخورداری از دیدگاه سنتی به این مقوله، اقدامات ممنوعیتی زیادتری را

در خصوص مثال یادشده در نظر گرفت. نماینده یک طیف تمایل زیادی به چهره به چهره شدن با متخلفین و مجرمانی که صنف ایشان تعطیل یا وسیله نقلیه آن‌ها توقیف شده و برای استمداد به ایشان مراجعه کرده‌اند دارد تا از این طریق پایگاه‌های رأی‌گیری خود را تقویت نماید. اما نماینده‌های طیف دیگر بیشتر تمایل به صدور قوانین و مقرراتی دارند که طیف گسترده‌ای از پایگاه‌های رأی‌دهی آن‌ها مانند شرکت‌ها و کارخانه‌ها را شامل می‌شود.

در مواردی پیچیدگی با هدف تحقق وحدت رویه و کاهش اختیار انسانی انجام گرفته است. اما این ازدیاد و اشباع قوانین اختیار مجریان در انتخاب مقررات مساعدتر را افزون و امکان نظارت بر اجرا را کمتر کرده است. مجریان بسته به منافع که برای ایشان حاصل می‌شود مقررات مساعدتر را برای اجرا انتخاب می‌کنند. همچنین تجربه گویای آن است که نهادهای مقررات‌گذار در مواردی تحت نفوذ حاکمیت یا مقامات عمومی و گروه‌های پرنفوذ شهری عدالت در جامعه را متناسب با خواست افراد بانفوذ دارای لابی‌های شهری تعریف می‌کنند و دچار تسخیر نهادی^{۱۲} می‌شوند. پذیرش این نکته سخت است که مستثنی شدن سه قشر پرنفوذ شهری از اخذ مجوز کسب در کاربری مسکونی هنگامی که همه اقشار جامعه موظف به اخذ آن هستند و برای نداشتن آن مجازات می‌شوند دلیلی غیر از اعمال نفوذ این سه قشر بر مقررات‌گذاران داشته باشد؛^{۱۳} موضوعی که در پناه تداوم این حمایت وضعیت نابهنجاری را برای برخی از خیابان‌های شهری ایجاد کرده است. عدالت رویه‌ای می‌تواند با جلب مشارکت شهروندان اختیارات حاکمیت و گروه‌های پرنفوذ را محدود کند تا سیاست‌ها تأمین‌کننده منافع نهادها و افراد طراحی‌کننده آن‌ها یا گروه‌های متنفذ نباشد.

عدالت رویه‌ای بر چندجانبه بودن و مشارکت شهروندان در مقررات‌گذاری تأکید دارد. مشارکت شهروندان به معنای جدی گرفتن و امکان اظهارنظر و شنیده شدن نظرات ایشان است (Zhongmin Wu, 2024: 151) و شهروندان رویه‌ای را منصفانه می‌دانند که به ایشان این اجازه را بدهد تا فرصتی برای ارائه خواسته‌های ایشان قبل از تصمیم‌گیری و مقررات‌گذاری داشته باشند (Tayler, 1998: 7). در حال حاضر در تهیه هیچ‌یک از اسناد کنترلی نظر شهروندان اخذ نمی‌شود و طرز نگرش از بالا به پایین موجود در سیاست‌های کنترلی جرایم و تخلفات شهری شهروندان و نقش ایشان را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین شهروندان این مقررات را منعکس‌کننده ارزش‌های مقامات حاکم می‌دانند تا خود ایشان.

این امر موجب تخریب همه بنیان‌ها و مقررات سنتی و عرفی کنترل جرایم و تخلفات شهری، که منعکس‌کننده ارزش‌های دیرین شهروندان است، می‌شود و خودتنظیمی^{۱۴} در آن‌ها را کاهش می‌دهد. نتیجه اینکه میزان برخورداری کنترل جرایم و تخلفات شهری در سطح دستورالعمل‌ها و مبانی رسمی عدالت رویه‌ای قابل اعتنا نیست. در این سطح ضرورت تغییر روش مقررات‌گذاری از روش عمودی بالا به پایین به روش افقی و توسعه امکان حضور نهادهای واسط و تقویت نقش‌آفرینی سنت‌های عرفی احساس می‌شود.

ب) رویه‌ها و سیاست‌های کنترلی

منظور از سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی جرایم و تخلفات شهری اصول حاکم بر طراحی شیوه‌های کنترل و کاهش آن‌ها در یک جامعه است و انتخاب نوع سیاست‌ها و اصول حاکم بر آن‌ها می‌تواند بر نتایج اثرگذار باشد. با توجه به ماهیت جرایم و تخلفات شهری، سیاست‌های کنترلی نیز باید برخوردار از انعطاف و بازنمایی هدف انتظام‌بخشی و افزایش اثربخشی طراحی شوند (سروی، ۱۴۰۳: ۱۰۱). کنترل جرایم و تخلفات شهری در ایران بر سیاست واگذاری به بخش خصوصی، به طور مشخص شرکت‌های پیمانکاری، طراحی شده است. اتخاذ این سیاست به دلیل محوریت نفع مالی و هزینه-فایده شاخص‌های عدالت رویه‌ای، از جمله معیار بی‌طرفی سیاست‌های کنترلی، را تضعیف کرده است. عدالت رویه‌ای رویکردی بی‌طرفانه است (Zhongmin Wu, 2024: 151). طراحی سیاست‌های عقل‌محور و بدون احساس مجالی برای بی‌طرفی باقی نمی‌گذارد. در نتیجه در غالب موارد مقررات بیش از آنکه به تهی‌دستان جامعه امکان حضور بدهد به نفع شهروندان فرادست شهر و با رویکردی فقیرستیزانه تصویب می‌شوند. مثلاً در مورد املاکی که دارای رأی قلع از کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ است و امکان صدور قانونی پایان‌کار برای ملک فراهم نیست، بر اساس محاسبات مالی و منطق محاسبه‌ای، رأی قلع توسط شوراهای اسلامی شهر با عنوان «عوارض ابقای بنا» تبدیل به جریمه می‌شود. اما رأی صادره با همین عنوان در حاشیه شهر که عموماً افراد تهی‌دست در حال ساخت تعداد معدودی اتاق برای معیشت خود هستند، به دلیل عدم برخورداری از منطق مالی، نه تنها تغییر نمی‌یابند بلکه قطعاً اجرا نیز می‌شوند. حتی در مواردی که تسهیلاتی در اجرای مقررات مدنظر قرار می‌گیرد عملاً تهی‌دستان امکان بهره‌مندی از آن را ندارند. مثلاً به فاصله کمی از جرم‌انگاری تغییر کاربری^{۱۵}، در سال ۱۴۰۲،

قانونی^{۱۶} به تصویب رسید که در آن قانون‌گذار به شرط حصول شرایطی همه آرای قلع صادره از کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ را به جریمه تبدیل کرده است؛ البته با حصول شرایطی که برآورده شدن آن‌ها توسط افراد فقیر و حاشیۀ شهر ناممکن یا بسیار سخت است.^{۱۷}

بی‌طرفی عدالت رویه‌ای همچنین به این معناست که طراحی سیاست‌ها نباید با هدف انتفاع مقامات عمومی یا طراحان سیاست صورت گیرد (Zhongmin Wu, 2024: 151). شائبۀ طراحی سیاست‌ها با هدف تأمین منابع و انتفاع نگرش شهروندان را این‌گونه شکل داده که قصد از طراحی رویه‌های کنترلی بیشتر انتفاع است تا انتظام (سروی، ۱۴۰۳: ۱۰۹). نگاه دولت‌ها به کنترل جرایم و تخلفات شهری به عنوان منبع درآمد باعث شده شهروندان هدف دولت‌ها را انتفاع بدانند. بالغ بر ۳۳ درصد از شهروندان مورد سؤال قرار گرفته در یک تحقیق بر این باور بوده‌اند که کنترل تخلفات ساختمانی برای انتفاع افراد و دستگاه‌های متولی است (نیک‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱). این اصرار بر منفعت در وضع قوانین جایگاه شهروندان را به سطح مشتری تنزل داده است. رسوخ این نگرش امکان هر گونه تغییر و تفسیر به نفع نظم را از بین می‌برد. چون شهروندان ایشان را شرکایی می‌دانند که اگر در منافع با ایشان سهم شوند امکان روی دادن هر کاری فراهم است. مراجع نظارتی همانند دیوان عدالت اداری سهم عمده‌ای در پذیراندن جایگاه شهروندی دارد. مثلاً این هیئت با استناد به وظیفۀ مدیریت شهری برابر ماده ۱۰۸ قانون برنامه ششم توسعه کشور^{۱۸} در خصوص تدارک زیرساخت‌های لازم برای پیشگیری از جرم و کاهش جرایم ترافیکی و همچنین مستند به ماده ۶۲ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ ناظر بر ممنوعیت تحمیل هر گونه هزینه بر بزه‌دیده مصوبۀ شورای شهر تهران اخذ بهای خدمات از شهروندان در هنگام مطالبۀ فیلم دوربین‌های وقوع جرایم ترافیکی را ابطال کرده است.^{۱۹}

سیاست انعطاف‌پذیری^{۲۰} و تنوع پاسخ‌ها نیز بر شکل‌گیری نگرش شهروندان تأثیرگذار است. طراحان سیاست‌ها به بهانۀ بی‌طرفی رفتارهای یکسان را در کنترل اعمال می‌کنند. بی‌طرفی به معنای عدم تنوع نیست و عدالت رویه‌ای بر بی‌طرفی تأکید دارد نه بر برابری طلبی (Zhongmin Wu, 2024: 151). مثلاً رفع سد معبر در شهرها در همه صنوف و کسبه به صورت یکسان و قواعدی مشابه اجرا می‌شود. بنابراین رفع سد معبر یک تعمیرگاه خودرو با

صنفی همانند میوه‌فروشی به صورت یک‌شکل روی می‌دهد. این موضوع از دید شهروندان ظلم در پوشش عدالت است.

عملکرد بهینه فرایند کنترل جرایم و تخلفات شهری از مسیر سیاست‌گذاری و طراحی سیاست‌هایی تحقق می‌پذیرد که موجب همکاری سه ضلع با یک‌دیگر باشد؛ یک ضلع مدیریت شهری و سامانه اداره عدالت شهری، ضلع دیگر شهروندان، ضلع سوم نهادهای نیمه‌رسمی و غیررسمی مانند سمن‌ها و جامعه محلی. نقش ضلع سوم تسهیلگری و ایفای نقش مبادله معانی بین دو ضلع دیگر است. اما در طراحی سیاست‌های کنترل جرایم و تخلفات شهری این ضلع سوم به فراموشی سپرده شده است و به‌کارگیری نهادهای واسط در این فرآیند به انگیزه باورهای راهبرد کنترل و فرمان تضعیف شده است. به‌رغم نقش تعیین‌کننده سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در کنترل جرایم و تخلفات شهری و مؤانست بین این مفهوم و مأموریت آن‌ها، سیاست‌های فعلی حضور ایشان در فرایند کنترل را نادیده گرفته است تا به حدی که نمی‌توان سمن یا سازمان مردم‌نهادی را که به این منظور تأسیس و ثبت شده باشد هم سراغ گرفت. سیاست بهره‌مندی از ظرفیت جامعه و عناصر معتمد محلی و ریش‌سفیدان موجب افزایش پذیرش محلی کنترل می‌شود. تخریب جایگاه جامعه محلی به بهانه جلوگیری از مداخله افراد غیر متخصص در جنبه عمومی شهروندان را درگیر فرایندهای قضایی کرده است. جامعه محلی به دلیل هضم تنوع فرهنگی محلات در خود و اشراف بر نگرانی‌ها و معذوریت‌های افراد در بستر محله از مقبولیت بالایی برخوردار است. علاوه بر این در مواردی آنچه مصداق وقوع جرم و تخلف شهری شناخته می‌شود تفاوت در سبک زندگی ایشان با معیارهای وسواس‌گونه مدیریت شهری است و نه لزوماً افعال مجرمانه که تنها عناصر محلی امکان تشخیص آن را دارند.

در کشوری همانند ایران، که از تنوع بالای قومیتی و نژادی برخوردار است و مهاجرین زیادی در شهرهای آن سکنی گزیده‌اند، به گونه‌ای که تا ۶۰ درصد از سکنه برخی محلات را اتباع غیر مجاز تشکیل داده‌اند، هر گونه تدوین سیاست باید بر اساس ادغام اجتماعی^{۲۱} صورت گیرد. این نحوه سیاست‌گذاری کنترل جرایم و تخلفات شهری و نتایج حاصله باعث به وجود آمدن انشقاق اجتماعی^{۲۲} و اعتراض حاشیه‌نشینان شهرها، که جمعیت ایشان را تا حدود ۱۸ میلیون نفر تخمین زده‌اند، شده است. انشقاق اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که نهادها و

هنجارهای مرتبط با آن‌ها نامربوط یا ناعادلانه تلقی شوند (Richard, 2019: 27). مثلاً هنگامی که فردی از اتباع مورد شکایت از ناحیۀ ارتکاب رفتار مزاحمت شهری قرار گیرد، موضوع در کمیسیون‌های بند ۲۰ مطرح و اقدام می‌شود. اما در موارد برعکس این فرایند روی نمی‌دهد. نتیجه اینکه در سطح رویه‌ها و سیاست‌های کنترل جرایم و تخلفات شهری، میزان برخورداری از عدالت رویه‌ای قابل اعتنا نیست. تمرکز بر سیاست‌های توسعه حضور نهادهای واسط و تقویت نهادهای محلی کنترل می‌تواند بر افزایش تأثیرگذاری مؤثر واقع شود.

۳. مبنای غیر رسمی عدالت رویه‌ای

منظور از مبانی غیر رسمی آن دسته از کنش‌ها و واکنش‌های روی داده از مبادی غیر رسمی است که نسبت به کنترل جرایم و تخلفات شهری روی نمی‌دهد و شامل تجارب شهروندان و جنبه‌های اجتماعی کنش‌ها و واکنش‌ها می‌شود که در ادامه به تشریح هر یک پرداخته می‌شود.

الف) تجارب شهروندان از رفتار مقامات عمومی

جنبۀ اجتماعی عدالت رویه‌ای به کیفیت رفتار تصمیم‌گیران و مجریان با شهروندان مرتبط است (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲) و رویه‌های اعمال قانون توسط مجریان در مشروعیت مجریان بسیار تأثیرگذار است (فیروزجائیان، ۱۳۹۰: ۳۹۶). به عنوان یک اصل کلی، به‌کارگیری عناصر قدرت و اقتدارنمایی، به‌ویژه اجبار غیر ضرور، در عدالت رویه‌ای توصیه نمی‌شود.^{۲۳} کنترل جرایم و تخلفات شهری مستلزم ارتباط گسترده و پر حجم مداخله‌گران با شهروندان است که به توسط نیروهای صف^{۲۴} مداخله روی می‌دهد. تحقیقات نشان‌دهندۀ آن است که اختیار^{۲۵} زیاد و بدرفتاری این مأموران باعث عدم فراهم آمدن فرصت بیان دیدگاه‌ها توسط شهروندان (Edri-Peer, 2023: 52) و سلیقه‌ای شدن مداخله‌ها می‌شود. ۶۶ درصد از شهروندانی که در پژوهش شرکت داشته‌اند معتقد بودند که برخورد صورت‌گرفته با ایشان در دستگاه‌های اداری سلیقه‌ای بوده است (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲). برخوردهای یکباره و بدون زمینه‌سازی، به دلیل وقوع و تکرار زیاد، عمده‌ترین نقص کنترل جرایم و تخلفات شهری است و در صورتی که به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا طرفین از این طریق یک‌دیگر را بشناسند و رابطه‌ای ایجاد شود برای ترغیب شهروندان به متابعت مؤثر است (Noortje de Boer, 2020: 6).

مداخله بی‌مقدمه باعث می‌شود چهره مجریان قانون در جامعه خدشه‌دار شود و نماد بی‌عدالتی شناخته شوند.

عده‌ای معتقدند این برداشت شهروندان طبیعی و به دلیل اثر بوم‌رنگی^{۲۶} رفتار و نوع کار مجریان مداخله است که باعث می‌شود شهروندان انتظار خشونت بیشتری از آن‌ها داشته باشند. شهروندان رفتاری را از مأموران انتظار دارند که بیشتر از آن چیزی که مأموران در نظر دارند، تنبیهی و منفی می‌نماید. این شهروندان تمایل دارند به جای اینکه به پیام‌های مثبت فکر کنند بر عناصر سختگیرانه و اجباری منفی، مانند تهدید به جریمه، تمرکز کنند. بنابراین، میزانی از تصور خشونت در کنترل کامل مأموران برای کنترل پیامدهای منفی سبک اجرای خود نیست (Noortje de Boer, 2020: 7). انتظار خشونت حتی بدون واقعیت هم باعث می‌شود شهروندان و مجریان، هر دو، برای محافظت از خود به خشونت و رفتارهای نامحترمانه و ناقض حقوق شهروندی متوسل شوند و به منظور فرار از فشار خود را در حمایت قدرت قرار دهند. مأموران از سوی مقامات و مسئولان برای مسئولیت‌پذیری و اثربخشی و افزایش راندمان کاری و از طرف مردم برای بهبود طرز برخورد و ارائه خدمات بهتر و همچنین از طرف خانواده و وجدان خود در خصوص نحوه نگرش شهروندان به شغل ایشان و تبعات اعمال قانون همراه با اعمال خشونت تحت فشارهای سنگینی قرار دارند. علاوه بر این مشکلات ناشی از عدم مطابقت دریافتی مالی با هزینه‌های زندگی ایشان و عدم ثبات رابطه کاری که ایشان را در مواجهه با موضوعات فراوان مالی، که از طرف متخلفین به ایشان پیشنهاد می‌شود، قرار می‌دهد، همگی این افراد را وادار می‌کند در مواجهه با این فشارها قوانینی را برای خود معین کنند تا فشارهای موجود را با این قوانین ساده کاهش دهند و از این طریق اعمال رویه‌های اقتدارگرایانه را برای خود مشروع سازند. از دید ایشان هنگامی که با خشونت مقررات را اعمال می‌کنند در واقع به عنوان یک سرباز عدالت را اجرا می‌کنند. بنابراین مصمم‌تر خشونت را به کار می‌گیرند. طراحی فرآیند بر اساس محیطی مردانه و تدارک ماشین‌ها و ابزار اقتدارنمایی نیز فضا را مستعد ارزش شدن گفتمان قدرت می‌کند. فرآیند مداخله‌ها اصولاً مناسب با به‌کارگیری نیروی انسانی مرد طراحی شده است. به همین سبب تعداد بسیار کمی از بانوان در این فرآیند حضور دارند. حتی در رده‌های نظارتی و مدیریتی هیچ‌یک از مشاغل زنانه تعریف نشده‌اند. در

عین حال دیدگاه زنانه نسبت به فرایند کنترل جرایم و تخلفات شهری دیدگاهی زمینه‌محور همراه شفقت مادرانه است و می‌تواند متابعت را افزایش دهد.

به طور کلی می‌توان گفت هوش هیجانی^{۲۷} تنظیم‌گران جرایم و تخلفات در سطح قابل قبولی قرار ندارد و برنامه‌های توانمندسازی ایشان در این قسمت بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود. بنابراین بر روش‌های فیزیکی کنترل تکیه می‌کنند. رفتارها با خود ایشان نیز به گونه‌ای روی می‌دهد که قدرت هر گونه انتقاد از عملکرد بد مدیران را از ایشان گرفته است. در چنین فضایی از فشارها و مشکلات که از سوی ایشان تحمل می‌شود با بروز اولین مشکل از سوی ایشان با شدت با آن برخورد می‌شود و در بسیاری از موارد به اخراج ایشان منتهی می‌شود. از این‌رو چاره‌ای جز انقیاد و اطاعت از خواسته‌های اقتدارگرا و همراهی با فضای قدرت ندارند. عده‌ای برای تخلیه این تحقیر از جانب مسئولان نسبت به توهین‌آمیز کردن زبان در تعامل با شهروندان مبادرت می‌کنند. این موضوع همراه فقدان مهارت تنش‌زدایی باعث کاهش احترام و اعتماد عمومی به ایشان می‌شود و موجب می‌شود با کوچک‌ترین تنش باب مخاصمه، شامل زبانی و رفتاری، بین ایشان و شهروندان باز شود؛ که منجر به نوعی بی‌عدالتی زبانی در ارتباط با شهروندان می‌شود.

بر اثر احاطۀ قدرت بر محیط پیرامونی مأموران و مداخله و ارزشمند قلمداد شدن آن در بسیاری از موارد انتخاب افراد بر اساس عوامل فیزیکی و قدرت بدنی صورت می‌گیرد؛ طوری که ناچار ترکیب سنی این افراد به سمت افراد جوان و فاقد تحصیلات است. از این‌رو مهارت‌هایی که نیازمند گفت‌وگو و مذاکره است و در افراد مسن‌تر و باتجربه‌تر نشان بیشتری دارد جای خود را به مهارت‌های بدنی و قدرت‌نمایی فیزیکی می‌دهد. قبل از اینکه این افراد به تنظیم‌گری در حوزه کنترل جرایم و تخلفات شهری مشغول شوند باید در زمینه آموزش و هدایت کافی و جامع و مناسب ایشان اطمینان حاصل شود. بیشتر این افراد فاقد مهارت‌های لازم برای مواجهه با شهروندان هستند و بر اساس تجربیات شخصی و نحوه زیست قبلی‌شان و در بی‌اطلاعی کامل از مقررات و حقوق شهروندی به این کار گمارده می‌شوند که ناچار بر فضای گفتمانی قدرت می‌افزاید. این امر باعث شده درک سیاستی که باید توسط این افراد اجرا شود به صورت کاملاً ناقص به ایشان منتقل شود. در نتیجه به دلیل اهمیت بیش از حد عملکرد نیروهای صف در کنترل جرایم و تخلفات شهری نحوه عملکرد ایشان تأثیر بسزایی در

شکل‌گیری نگرش شهروندان داشته است. ضرورتاً به منظور بهبود معیارهای عدالت رویه‌ای در این سطح باید راهکارهای کاهش سطح پیگیری شود.

ب) جنبه اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی^{۲۸}، عدالت اطلاعاتی^{۲۹}، حساسیت اجتماعی^{۳۰}

اعتماد شهروندان تضمین‌کننده موفقیت اجرای مقررات کنترلی است. بنابراین باید از بالاترین درجه اهمیت در معادله کنترل برخوردار باشد. آنچه می‌تواند اعتماد شهروندان را جلب کند روی دادن کنترل هماهنگ و بر اساس باورها و حساسیت‌ها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایشان است. این بدان معنی است که وقتی مردم به مجریان قانون اعتماد نداشته باشند قاعده‌تاً احساسات مثبتی نسبت به آن‌ها ندارند و تمایل کمتری برای اطاعت از آن‌ها از خود نشان خواهند داد (فیروزجائی، ۱۳۹۰: ۳۹۶). عدالت رویه‌ای نیز بر تحقق اعتماد از طریق شکل دادن به نگرش مثبت در شهروندان تأکید دارد. تمرکز طراحان سیاست‌ها بر جنبه‌های فنی مقررات باعث غفلت از این مهم شده است. مثلاً قانون مدیریت پسماند برخوردار از فنی‌ترین و به‌روزترین اصول مدیریت پسماند است. اما به‌رغم اتخاذ همه امکانات و شدیدترین مجازات‌ها به دلیل عدم برخورداری از حساسیت‌های اجتماعی شهروندان موفقیتی حاصل نکرده است. اجرای این قانون نیز فاقد هر گونه ملاحظه فرهنگی و اجتماعی است. بر پایه این قانون، تولیدکننده زباله موظف به پرداخت هزینه امحای زباله‌های تولیدی خود است و در صورت عدم متابعت به دلیل ارتکاب جرایم پسماندی مجازات می‌شود.^{۳۱} بدین منظور بر اساس مصوبه شورای شهر این هزینه بر پایه فرمولی شامل گونه زباله، میزان زباله تولیدی، و گونه صنف به‌اجبار از ایشان دریافت می‌شود. اما به دلیل اینکه مقررات کنترل زباله به صورت کاملاً فنی و به دور از ماهیت اجتماعی آن تدوین شده به عرصه‌ای برای تبعیض و کشمکش میان شهروندان و مجریان و بین اتحادیه‌ها و صنوف مختلف تبدیل شده است.

مدیریت شهری بیشترین ارتباط را با کنترل جرایم و تخلفات شهری دارد. اما بر اساس نتایج یک تحقیق شهرداری‌ها در پایین‌ترین سطح اعتماد شهروندان به دستگاه‌های اجرایی قرار گرفته‌اند (پیمایش سوم، ۱۳۹۴: ۱۳۰). از طرف دیگر مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهد کاهش سرمایه اجتماعی موجب بی‌نظمی اجتماعی در جامعه می‌شود. وقتی افراد در جامعه احساس انومی کنند و اعتماد کاهش یابد، حس مشارکت‌پذیری اجتماعی در افراد کاهش می‌یابد و طبعاً در این وضعیت افراد تمایلی به رعایت هنجارها و نظم اجتماعی ندارند (جوادی‌یگانه، ۱۳۹۰:

۱۱). از قرار گرفتن این دو گزاره در کنار هم می‌توان استنتاج کرد با این سطح اعتماد، مدیریت شهری که عامل کنترل جرایم و تخلفات شهری است موفقیتی در کنترل نخواهد داشت. به نظر می‌رسد این نگرش شهروندان به‌رغم خدمات بی‌شمار شهرداری‌ها به دلیل ضعف در ارائه خدمات در کنترل جرایم و تخلفات شهری باشد. در تحقیقی که در مورد رابطه بین سرمایه اجتماعی و تخلفات ساختمانی صورت پذیرفته است ۴۸ درصد از شهروندان جامعه هدف خود را بی‌اعتماد به سیاست‌های طراحی شده برای کنترل جرایم و تخلفات شهری دانسته‌اند (نیک‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱). کاهش اعتماد به دنبال خود فرسایش اجتماعی و افزایش وقوع جرایم و تخلفات شهری را در پی داشته است.

از عناصر تشکیل‌دهنده اعتماد رفتار مبتنی بر شفافیت و صداقت با شهروندان است. در تعریف حقوقی شفافیت به رابطه دولت و ملت اشاره شده است؛ به گونه‌ای که شهروندان از تصمیمات حکومت همچون آیین‌نامه، قانون، اصل، ماده، تبصره که موجد حق و تکلیف‌اند مطلع شوند و عملکرد حکومت را بر اساس آن تحلیل کنند. صرف اطلاع از تصمیمات دولت کافی نیست (علی‌نژاد، ۱۴۰۳: ۷۶). عدالت رویه‌ای مفهومی باز و عدالت اطلاعاتی از وجوه جنبه اجتماعی عدالت رویه‌ای است. به این معنا که دسترسی به اطلاعات باید به صورت آزادانه و هم‌زمان برای همه شهروندان فراهم باشد (Zhongmin Wu, 2024: 151). در واقع اطلاعات به شهروندان پیرامون یک تصمیم که به چه میزان و چرا به این طریق خاص اتخاذ شده و پیامدهای آن چه خواهد بود باید شفاف و هم‌زمان صورت گیرد (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۵۰). اما اطلاعات مرتبط با جرایم و تخلفات شهری، مانند پهنه‌بندی‌های شهری و تغییر مقررات صدور پروانه، به طور یکسان در اختیار شهروندان قرار نمی‌گیرد. این امر باعث شده اجرای مقررات نیز غیر شفاف و تبعیض‌آمیز باشد. مثلاً، به دلیل ترکیب و تعداد کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری، بسته به اینکه پرونده اشخاص در کدام کمیسیون طرح شود، انواع و اقسام آرای غیر شفاف از نظر مبنای صدور صادر شود. در مواردی همسایگانی که در یک کوچه و برهه در زمانی نزدیک به هم ساختمان احداث کرده‌اند در یک تخلف مشخص آرای چندگانه و متنوعی را دریافت کرده‌اند و در مواردی نتیجه طرح پرونده ساختمانی که دارای تخلفاتی بسیار گسترده‌تر از دیگران بوده به مراتب بهتر از ساختمان‌های دارای تخلفات کمتر است.

حساسیت اجتماعی از وجوه دیگر جنبه اجتماعی عدالت رویه‌ای است که بیان‌کننده میزان احترام و منزلتی است که هنگام ارائه یک پیامد نامطلوب به‌درستی و به گونه‌ای آموزنده و با میزان زیادی حساسیت به شهروندان ارائه می‌شود (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۲۴). اما مجریان از این توان برخوردار نیستند که دلیل کنترل‌های روی‌داده را با شهروندان به شیوه‌ای متقاعدکننده در میان بگذارند. فرایند شکل‌گیری اعتماد در کنترل جرایم و تخلفات شهری به دلیل معیوب بودن روش اقناع‌سازی شهروندان ناقص است. برداشت مداخله‌گران از متقاعدسازی مترادف با آشناسازی^{۳۲} شهروندان به وظایفشان است. اما رکن واقعی متقاعدسازی پاسخگویی مداخله‌گران در مورد سطح و گونه و حجم مداخله‌ای است که برای کنترل جرایم و تخلفات شهری اعمال می‌کنند. متقاعدسازی فرایندی ارتباطی است که هدف آن نفوذ در گیرنده پیام است. شگرد آشناسازی توان نفوذ در شهروندان و درونی‌سازی را ندارد. شهروندان باید در خصوص میزان و ضرورت میزان و نحوه مداخلات متقاعد شوند. مثلاً برخورد با زباله‌گردان بر اساس ایفای وظایف شهروندی حفظ محیط زیست صورت می‌گیرد و در تبلیغات نیز همین موضوع به عنوان دلیل مداخله عنوان می‌شود. اما برخورد با این شهروندان به گونه‌ای صورت می‌گیرد که شهروندان با مشاهده آن با قرار دادن زباله‌های تفکیک‌شده در جلوی منزل به زباله‌گردان کمک می‌کنند، اما از تحویل آن به مدیریت شهری خودداری می‌کنند.

نتیجه‌گیری

اجرای عدالت رویه‌ای دارای مرز بسیار باریکی با روش‌های جزم‌اندیشانه و محض است. تأکید بر بهره‌مندی از عدالت رویه‌ای نباید منجر به جمود و جزم‌اندیشی بر رعایت تشریفات شود، بلکه رعایت آن باید تا هنگامی که به عنوان ابزاری در تحقق رفتار منصفانه با شهروندان و یک راهبرد برای انسانی‌سازی مداخله‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد مورد تأکید باشد. امروزه محدوده رفتارهای تحت کنترل برنامه‌های کاهش و کنترل جرایم و تخلفات شهری به قدری موسع تعریف شده که با توجه به کمبود منابع در شهرها فرض زیست قانونی بدون نیازمندی به نقض مقررات فرضی محال می‌نماید. بنابراین کاستن از دایره رفتارهای غیر مجاز شهروندان و به رسمیت شناختن نیازهای مشروع ایشان باعث کاهش تماس و در نهایت کاهش احتمال نقض حقوق شهروندان خواهد شد.

روش کنونی کنترل در بعد مقررات‌گذاری و اجرا، به واسطه برخورداری از تمایلات اقتدارگرایانه، فاصله میان مقامات عمومی و شهروندان را افزایش داده و احتمال شکل‌گیری گفت‌وگو را به حداقل رسانده است. ضروری است تا طراحی سیاست‌ها و فرایندها به گونه‌ای انجام شود که با کرامت شهروندان بیشترین همخوانی را داشته باشد و مقامات عمومی در تحقق هدف کنترل علاوه بر مقررات به چارچوبی ارزشی-مانند مردم‌داری، اجتماع‌محوری، مشارکت، احترام، انصاف-محدود باشند. بهره‌مندی از روش‌های مشاوره قبل از طراحی فرایند و مقررات‌گذاری با ذی‌نفعان اجرای مقررات کنترل جرایم و تخلفات شهری همانند صنوف اتحادیه‌ها و کسبه و شهروندان عادی و انجام دادن تحقیقات آماری در خصوص نگرش شهروندان به فرآیند کنترل در فهم نظرات ایشان و اعمال در تصمیمات و دستورالعمل‌های کنترلی می‌تواند در محترمانه شدن فرایند مؤثر باشد. همان‌گونه که نگرش شهروندان دارای اهمیت است به طور هم‌زمان تصحیح برداشت ناصواب مجریان از عدالت رویه‌ای، که متأثر از تجربیات ایشان از حربه‌های قانونی برخی وکلا و متخلفین برای تداوم و به وخامت کشاندن تخلفات است، به منظور پرهیز از قرار گرفتن ایشان در موضع مخالفت، بسیار ضروری است. شکل‌گیری گفت‌وگو در این خصوص و لحاظ دغدغه‌های اجرایی ایشان در بروز فهم مشترک از عدالت رویه‌ای کمک خواهد کرد. توجه به این نگرانی‌ها و پاسخ مناسب به آن برای باورمندی ایشان به این مهم که در صورت بهره‌مندی از عدالت رویه‌ای نیاز به بسیاری از اعمال قانون بر شهروندان کاهش خواهد یافت بسیار مؤثر است.

گره خوردن کنترل جرایم و تخلفات شهری ایران به عملکرد شرکت‌های پیمانکاری و قواعد نفع‌محور آن به بهانه کاستن از هزینه‌های عمومی باعث تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی کنترل شده است. در این زمینه حاکم‌سازی عدالت رویه‌ای مستلزم بازتعریف قراردادها است تا تعادلی در دغدغه‌های مالی و کاهش هزینه‌ها و نگرانی‌های اجتماعی برقرار شود. از مهم‌ترین جنبه‌های این بازتعریف توسعه مفهوم کنترل با فاصله^{۳۳} است. در واقع ایجاد فاصله هر چه بیشتر میان شرکت‌های پیمانکاری با شهروندان از تأثیرگذاری خواسته یا ناخواسته آن‌ها و طرز تلقی آن‌ها از نظم بر شهروندان جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر فقدان نظم حقوقی حاکم بر نیروهای سطح خیابان^{۳۴}، که عموماً از مأموران بخش پیمانکاری هستند، و عدم بذل توجه کافی به تأثیر عملکرد ایشان بر نگرش شهروندان باعث غیرقابل کنترل شدن

نتایج می‌شود. تدوین نظام‌نامه‌ای حاوی روش عملکرد و پذیرش دغدغه‌های فردی و صنفی ایشان در این امر بسیار مؤثر است. این افراد باید جهت تقویت هوش هیجانی مورد آموزش قرار گیرند و مهارت‌های ایشان در حوزه صلح و اجرای عدالت ترمیمی توسعه یابد.^{۳۵}

توسعه روش‌های نرم‌افزاری و برنامه‌های کنترلی مبتنی بر هوش مصنوعی در این زمینه از افزایش فاصله کنترل حمایت خواهد کرد. در این خصوص لحاظ این نکته ضروری است که در مواردی بهره‌مندی از نرم‌افزارها و الگوریتم‌ها ایجاد نوعی سوگیری در مجریان می‌کند که مستمسکی علمی برای توسعه رفتارهای اقتدارگرایانه در اختیار ایشان قرار می‌دهد که عملاً اثر معکوسی بر جای خواهد گذاشت. همچنین توسعه فرم‌های اداری به بهانه رعایت عدالت رویه‌ای از مسیر یکسان‌سازی روش مداخله در غالب موارد تأثیر معکوس خواهد داشت. سوگیری حاصل از داده‌های مستخرج از این فرم‌ها ساده‌سازی و ساده‌انگاری مجریان را به ارمغان می‌آورد که بیشتر احتمال نقض حقوق شهروندی را به دنبال خواهد آورد. طراحی روش کار کمیسیون‌های اداری مداخله مستقردر شهرداری بر اساس اصول عدالت رویه‌ای با حفظ دغدغه‌های اجرایی، در مجموع سهم بالایی در جلوگیری از نقض حقوق شهروندان داشته و تبعیض را کاهش می‌دهد. البته این امر باید با این نگرش روی دهد که این روش کار نباید با آیین دادرسی‌ها اشتباه گرفته شود و ضرورتاً باید با الزامات غیر قضایی شکل گیرد.

یادداشت‌ها

۱. در ایران اغتشاشات سال ۱۳۷۱ در مشهد به دلیل نحوه اقدامات و تصمیمات مقامات شهری در مورد تخلفات ساختمانی و بهانه اغتشاش سال ۱۳۹۶ در مشهد نیز تخلفات راهنمایی و رانندگی در قسمتی از شهر بود. (برای اطلاع بیشتر ← تارنمای اینترنتی <https://fa.wikipedia.org/wiki/>)

2. instrumental
3. Tom R. Tyler
4. The Social Psychology of Procedural Justice
5. social control
6. legitimation
7. social norms
8. voice
9. formal bases of procedural justice
10. informal bases of procedural justice
11. institutional arrangement
12. agency capture

۱۳. برابر بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ سه قشر وکلا و مهندسين و پزشكان از گرفتن مجوز کسب در محل‌هایی با کاربری مسکونی معافاند.

14. self-regulation

۱۵. قانون درآمدهای پایدار شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ۱۴۰۱.

۱۶. بند «ت» تبصره ۶ قانون برنامه بودجه، سال ۱۴۰۲.

۱۷. از جمله این شروط بند «ت» این قانون می‌نویسد: «چنانچه ساخت‌وساز صورت گرفته برخلاف اصول سه‌گانه فنی، بهداشتی، و شهرسازی باشد و استانداردهای لازم در آن رعایت نگردیده و استحکام بنای آن توسط شهرداری تأیید نگردد و یا تجاوز به معابر شهر و یا املاک مجاور و یا پیش‌آمدگی داشته باشد و یا تغییر کاربری باغات و فضای سبز صورت گرفته باشد، حکم صادره توسط کمیسیون لازم‌الاجرا است».

۱۸. بند دوم از قسمت «الف» از ماده ۱۰۸ قانون ششم توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵.

۱۹. رأی شماره ۹۹۰۳۵۰۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۱۵۶۷.

20. flexibility

21. social inclusion

22. social exclusion

۲۳. به نقل از تارنمای اینترنتی PNAS تحت عنوان «آموزش عدالت رویه‌ای استفاده پلیس از زور و شکایت از

افسران را کاهش می‌دهد» به آدرس: <https://www.pnas.org/doi/full/10.1073/pnas.1920671117>

24. IN front line

25. discretion

26. boomerang-effect

۲۷. emotional literacy. منظور داشتن خودآگاهی و شناخت احساسات خود و آگاهی از نحوه مدیریت

آن‌هاست، مانند توانایی آرام ماندن در هنگام احساس عصبانیت یا اطمینان دادن به خود در هنگام شک. این شامل همدلی، یعنی داشتن حساسیت به احساسات دیگران، است.

28. social trust

29. information justice

30. social sentivity

۳۱. قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ شمسی مجلس شورای اسلامی.

32. familiarization

33. control at distance

34. street level

۳۵. برای بررسی بیشتر ← سروی، ج. و سیداصف‌هانی، ح. (۱۴۰۳). کنترل سطح خیابانی جرایم و تخلفات

شهری؛ از سوگیری تا تنظیم‌گری. (e725381). پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی doi: 10.22034/aqcr.2025.2058036.1067

منابع

- جوادى، ی. (۱۳۹۰). دیدگاه جامعه‌شناختی به نظم عمومی در کلان شهرها (مطالعه تطبیقی شهرهای تهران، لندن، بمبئی). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۳)، ۱۰۳ - ۱۲۳.
- حسینی، م. و برهانی، م. (۱۳۸۹). چرایی تبعیت از قانون. *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، ۱۱(۳) - ۴(۴)، ۲۳۹ - ۲۶۰. doi: 10.22091/pfk.2010.166
- رستمی، و. و حسینی‌پور اردکانی، م. (۱۳۹۹). بایسته‌های مقررات‌گذاری محلی. *دانش حقوق عمومی*، ۹(۳۰)، ۷۵ - ۹۴. doi: 10.22034/qjplk.2020.209.94
- سروی، ج.، فرجیها، م. و شیخ‌الاسلامی، ع. (۱۴۰۳). رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو به کنترل جرایم و تخلفات شهری؛ پیشنهاد الگوی اجرایی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۵(۲)، ۹۵ - ۱۰۹. doi:10.22124/jol.2024.26488.2447.
- علی‌نژاد، ا.، رفیعی، ا. و علم‌الهدی، ح. (۱۴۰۳). رهیافتی بر تحلیل حقوقی شفافیت فرآیندهای قضایی-اداری در قوه قضاییه، با تأکید بر بازدارندگی فساد. *دانش حقوق عمومی*، ۱۳(۱)، ۷۳ - ۱۰۰. doi: 10.22034/qjplk.2024.1865.1691
- فیروزجائیان، ع. (۱۳۹۰). قانون‌گزینی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای). *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۳۸۱ - ۴۱۰. SID. <https://sid.ir/paper/56769/fa>
- نیک‌پور، ع. و همکاران (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و تخلفات ساختمانی (مطالعه موردی: شهر بابلسر). *شهر پایدار*، د ۲، ش ۳، ۱۱۳ - ۱۲۶.
- هزارجریبی، ج. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران). *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۲(۳ (پیاپی ۴۳))، ۴۱ - ۶۲. SID. <https://sid.ir/paper/154969/fa>
- یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم (۱۳۹۵). گزارش کشوری. ناشر پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی

References

Alinejad, A& Rafiei, A& Alalhuda, H. (2024). An Approach to the Legal Analysis of the Transparency of Judicial-Administrative Precedents in the Judiciary; Emphasizing the Prevention of Corruption. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 13(1), 73-100. doi: 10.22034/qjplk.2024.1865.1691.

Edri-Peer, O& Cohen, N. (2023). Procedural Justice and the Unintended Role of Street-Level Bureaucrats in Prompting Citizens to Act as Vigilantes. *The American Review of Public Administration*, 53(2), 51-63. <https://doi.org/10.1177/02750740221148192>

Findings of the National Survey of Iranian Values and Attitudes, Third Wave, Country Report, (2016) Publisher of the Culture and Art Research Institute and Communications of the National Projects Office in cooperation with the National Center for Social Observation. (in Persian)

Firuzjaian, A. (1390). Lawlessness (An Analysis from the Perspective of Procedural Justice Theory). *Social Welfare*, 11(42), 381-410. SID. <https://sid.ir/paper/56769/fa>. (in Persian)

Hezarjaribi, J. (2011) Study of the feeling of social justice and its effective factors (case study: Tehran city), *Applied Sociology (Humanities Research Journal, University of Isfahan)*, 22, (3 (serial 43), 41-62. SID. <https://sid.ir/paper/154969/fa>. (in Persian)

Hosseini, M&Borhani, M. (2010). Why Obey the Law. *Philosophical-Theological Studies*, 11(4-3), 239-260. doi: 10.22091/pfk.2010.166 (in Persian)

Javadi Y. (2011). Sociological Perspective on Public Order in Large Cities (Comparative Study of Tehran, London, Mumbai Cities), *Iranian Journal of Social Development Studies*, Year 3/Issue 3/Summer , pp. 103-123. (in Persian)

Markovic, Ivana & Zdravković, Miloš. (2020). Emotionalization of criminal law in the process of adopting and amending criminal legislation. *Zbornik radova Pravnog fakulteta Nis*. 59. 161-180. 10.5937/zrpf0-28670.

Mazerolle, L., Antrobus, E., Cardwell, S. M., Piquero, A. R., & Bennett, S. (2019). Harmonizing Legal Socialization to Reduce Antisocial Behavior: Results from a Randomized Field Trial of Truanting Young People. *Justice Quarterly*, 38(1), 152–179. Available At <https://doi.org/10.1080/07418825.2019.1618894>.

Muslihah Hasbullah .(2019) WHY PEOPLE VIOLATE THE LAW? A REVIEW OF LITERATURE ON LEGAL SOCIALIZATION /Asian Journal of Law and Governance e-ISSN: 2710-5849 | Vol. 1, No. 2, 15-23, / Available At <http://myjms.moe.gov.my/index.php/ajlg>.

- Nikpour A&et al.(2015) Study and analysis of the relationship between social capital and construction violations (case study: Babolsar city), *Shahr Paydar*, Volume 2, Issue 3, pp. 113-126. (in Persian)
- Noortje De Boer.(2020).The (Un)Intended Effects Of Street-Level Bureaucrats' Enforcement Style: Do Citizens Shame Or Obey Bureaucrats?/
Public Policy And Administration/
DOI:[10.1177/0952076720905005](https://doi.org/10.1177/0952076720905005).
- Richard K. Moule Jr(2019)Legal socialization and subcultural norms: Examining linkages between perceptions of procedural justice, legal cynicism, and the code of the street, *Journal of Criminal Justice*, Volume 61, March–April 2019, Pages 26-39/ Available At <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2019.03.001>.
- Ronald van Steden (2017) Municipal Law Enforcement Officers: towards a new system of local policing in the Netherlands?, *Policing and Society*, 27:1, 40-53, DOI: 10.1080/10439463.2015.1017494 To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/10439463.2015.1017494>.
- Rostami, V& Hosseinipour Ardakani, M. (2019). Local Regulatory Requirements. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 9(30), 75-94. doi: 10.22034/qjplk.2020.209
- Sarvi, J& Farajiha, M& Sheikholeslami, A. (2024). Responsive regulatory approach to control urban crimes and violations, proposal of an executive model. *Criminal Law Research a Biannual Journal*, 15(2), 95-109 doi:10.22124/jol.2024.26488.2447.
- Tyler, Tom. R (1988) the social psychology of procedural justice. Springer. Usa/
Available At https://www.researchgate.net/publication/258370333_The_Social_Psychology_of_Procedural_Justice.
- Zhongmin Wu, (2024)Why is Social Justice Possible?, Party School of the Central Committee of CPC, Available At <https://doi.org/10.1007/978-981-97-5380-2>.